



روایهای يك زن

داستان‌های کوتاه مجاری

تیپو سرس

دکتر بهناز امینی

www.nashr.com

www.nashr.com

www.nashr.com

www.nashr.com

www.nashr.com

www.nashr.com

www.nashr.com

www.nashr.com

www.nashr.com

www.nashr.com

www.nashr.com

www.nashr.com

۵۱۵۴۳۰۶
۱۴
www.ketab.ir
سرشناسه: تیپور سرس ۱۹۱۰ م
عنوان و نام پدیدآور: رویاهای یک زن، تیپور سرس
ترجمه دکتر بهناز امانی

مشخصات نشر: تهران: ماهریس ۱۳۹۸

مشخصات ظاهری: ۳۸۲ ص

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۹۳۴-۰۵-۳

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

موضوع: داستان‌های مجارستانی - قرن ۲۰ م

موضوع: Hungarian fiction - ۲۰th century

رده‌بندی کنگره: ۵۹۱۳۹۷ / ر ۳۲۲۵ PH

رده‌بندی دیویی: ۸۹۴/۵۱۱۳

شماره کتابشناسی ملی: ۵۴۱۶۴۰۴



ناشر ماهریس

روایتی یک زن

ناشر: انتشارات ماهریس

موضوع: تالیف ماهریس

چاپ: اول و صفحه: ۱۳۹

چاپ اول: ۱۳۹۰

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

دفتر انتشارات

میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، مجتمع تجاری

شماره ۲۶۶، واحد ۵ تلفن: ۲۱۵۰-۰۲۱

www.nashremahris.ir

@nashremahris

@ketabfarhang

کلیه حقوق چاپ و نشر این کتاب برای انتشارات ماهریس محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر، انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	آفتاب بهاری
۱۹	املت نبرن
۳۷	ایکناک و نو
۵۵	پیام رسان
۷۳	جاه طلبی و قهقهه‌ی رادمی
۱۰۹	جوانی ارباب کنستانتین
۱۳۱	حلقه‌ی خانواده
۱۵۵	خانه‌ای بر روی آب
۱۸۱	داستان‌های یک دقیقه‌ای
۱۹۳	دیوار آشپزخانه
۲۰۹	ژانویه
۲۲۳	شورش غذاها
۲۴۱	فراموشم مکن
۲۶۵	قول بده، عزیزم!
۲۸۷	کانون گرم خانواده

۳۰۵

نازی‌ها

۳۲۱

نباید کسی را کشت

۳۳۴

وه، چه آسمان بلندی! (رویاهاي یک زن)

۳۵۲

همه چیز همان گونه که بود

www.ketab.ir

پیشگفتار

کتاب کوچک با برگ‌هایی به زردی گراییده دل از من ربود و مرا
در دشت کشت و گذار در عالم خویش کرد. در بدو ورود با جهانی
برفناک و غریب روبرو شدم با طنزی تلخ و رنگ‌پریده
همچون چهره‌انگاری‌های آن. زبانی ساده و جملاتی موجز که در
آدمی توهم شنیدن خبر را ایجاد می‌کرد!

جهان دوم که همه در شب بود، گویی تنها از انعکاس برف‌ها
روشن شده تا کودکانی که هیچ شباهتی به دیگران نداشتند در آن با
خیالی آسوده به ماجراجویی خویش بپردازند. می‌دانم که پیش
می‌رفتم درهای بی‌شماری به جهان‌هایی سرد و گاه زیبا و تلخ،
پیش رویم گشوده می‌شد. زنی زیبا که در پی عشق ترک دنیا می‌شد
و تنها یادگارِ شرو شور جوانی‌اش آوازهای چانگویی می‌شود؛ در سری
که به دیدار عشق محبوس شده‌اش می‌رود و باید تمامی

بی‌قراری‌هایش را تنها در بیست دقیقه خلاصه کند... مردمانی ساده‌دل که هیچ تصور ملموسی از تباهی‌های جنگ ندارند اما مومنانه دل در گرو خبر صلح سپرده‌اند... و مرگ که هر تباهی دیگری همچون خشم و نفرت در برابرش رنگ می‌بازد به خاکستری‌کبود آسمان یخ‌بسته‌ی سرزمین‌های شمالگان.

گذاشتن سرزمینی که شباهت بسیاری با جهان ذهنی‌ام داشت، بسیار آسان‌تر و نزدیک بود. لمس زیست‌کسانی که گویی جهانشان در خاموش‌ترین نقطه‌ی این زمین بنا شده بود، مرا بیش از پیش برآن داشت تا دیگر مردمان را نیز به شناخت جهان‌شان رهنمون باشم؛ هرچند که در این، ام‌خودستی‌های بسیار کرده‌ام. باشد که خوانندگانِ گرانقدر بر من ببخشایند.

بهناز امانی

لندن، یکم اکتبر ۲۰۲۰